روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۴۹۷

سرمایه گذاری برای تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
دشنام دادن به مومن فسق است، جنگیدن با او کفر و احترام مالش، چون احترام خونش است.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۵ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۵۴
■ اذان مغرب: ۱۸:۱۲ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■ اذان صبح فردا: ۴:۳۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۷

حافظ
بس نگویم شمه‌ای از شرح شوق خود از آنک دردسر باشد نمودن بیش از این ابرام دوست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
گزارش:
■ مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی:
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی:
■ دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

■ سردبیر آنلاین: اسماعیل سلطنت‌پور
■ معاونان آنلاین: مجتبی صادقی، کامران بارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی: زهراسادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■ مدیر تولید تلویزیون: الهه‌سادات بهشتی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

حکایت پلاس

سوء مدیریت، همین!

سید سروش طباطبایی پور | روزنامه‌نگار | سال‌های پیش و در دوره دانشجویی، در آن روزهایی که نه از گوشی‌های هوشمند تلفن همراه خبری بود و نه از اینترنت، یکی از دلخوشی‌هایم این بود که هرازگاهی، سری به سینما عصر جدید بزنم و روحم را با دیدن فیلم‌های رنگارنگ و خاص جلا دهم؛ سینمایی که تلاش می کرد فیلم‌های روز دنیا را با تأخیری اندک، روی پرده نقره‌ای‌اش پخش کند و میزبان دانشجویان و علاقه‌مندان به حوزه فرهنگ و هنر باشد. حساسیت روی انتخاب فیلم‌ها، به‌گونه‌ای بود که حتی اگر سینما عصر جدید، فیلم‌های ضعیف جهان را هم اکران می کرد، مشتریانش کلی آسمان و ریسمان فلسفی می‌بافتند که این فیلم، حتما بی‌محتوا نیست و این چهارپایه سبزی که با یک پایه شکسته در صحنه آغازین فیلم به تصویر کشیده شد، حتما مفهومی عمیق در دل دارد و منظور نویسنده و کارگردان آن است که یکی از پایه‌های اصلی محیط‌زیست و طبیعت، این روزها شکسته و چه می‌دانم؛ باید به طبیعت احترام گذاشت! و خلاصه جماعت دانشجو باورشان نمی‌شد فیلم الکی و پلکی در این سینما که از سال ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران درخشیده، اکران شود.

تا اینکه پای اینترنت و وسایل ارتباطی به زندگی آدم‌ها باز شد و بهترین فیلم‌های روز جهان، حتی قبل از اکران رسمی، در فضای مجازی منتشر می‌شد و فضای دلنشین و گروهی سینماهایی مثل سینما عصر جدید کم‌رنگ‌تر شد و خلاصه همان شد که نباید می‌شد: بی‌رونقی سالن‌های سینما! روزهای سیاه کرونا و فیلم‌های صد من یک غاز گیشه‌پسند و هزار دلیل دیگر نیز کار را خراب‌تر کرد؛ تا جایی که سینمای طلایی دوران دانشجویی من، به‌جای پرده معرفی فیلم‌های اکران شده روز، پرده‌ای زرد با نوشته‌ای سیاه روی سردرش نصب کرد: این ملک به....!

باور کردنی نبود؛ اما دیروز باورم شد. به بهانه تماشای نمایشی از سجاد افشاریان، «نشان» مرا خیابان به خیابان و کوچه به کوچه به سالن نمایش «لبخند» کشاند و به همسایگی سینمای باشکوه عصر طلایی دوران زندگی‌ام رسیدم. شگفت‌زده شده بودم؛ دم در ورودی سینما عصر جدید من، تنها چند گربه ملوس پرسه می‌زدند و درست دیوار به دیوار سینما، عاشقان فرهنگ و هنر لبخندزنان، منتظر ورود به مجموعه سالن‌های نمایش لبخند بودند. نمی‌توانستم حال و روز سینما را ببینم و سریع، وارد مجموعه شدم؛ اما آنقدر جمعیت زیاد بود که ترجیح دادم به‌جای انتظار در سالن انتظار طبقه منفی ۲، دوباره به پیاده‌رو روبه‌روی مجموعه لبخند بروم تا نفسم نگیرد؛ اما انگار دیدن حال و روز سینما عصر جدید، نفسگیرتر بود. نمی‌دانستم توجیه بی‌رونقی صاحبان سینمای عصرجدید را در این روزها باور کنم یا این همه جمعیتی که برای سیراب‌شدن از فرهنگ و هنر این سرزمین، به مجموعه سالن‌های طبقاتی لبخند سرازیر شده بودند. اگر روزگار بی‌رونقی فرهنگ است، پس این همه علاقه‌مند اینجا چه می‌کنند و اگر همچنان علاقه‌مندان به نمایش و سینما نفس می‌کشند پس چرا سینما عصر جدید تعطیل است! تنها پاسخ، انگار سوء مدیریت است؛ همین!

دیروزنامه

حفظ بوستان‌ها

همشهری
همزمان با پنجمین روز از هفته دفاع مقدس:
۳ پارک محلی در شمال تهران گشایش یافت
مردم شهری خواه

سرویس شهری: همزمان با پنجمین روز از هفته دفاع مقدس سه پارک محلی در دامنه تپه‌های شمال تهران توسط شهرداری منطقه یک گشایش یافت.
به گزارش خبرنگار ما پارک‌های البرز، میلاد و سنبل سه پارک محلی شمال تهران هستند که عملیات آبیاری، جدول‌بندی، فضا سبز، نصب نیمکت، سرویس بهداشتی، نورپردازی، نصب تابلو معرفی پارک، نصب سرویس بازی کودکان، نصب سایبان، نصب سطل زباله، نصب دوربین مداربسته، نصب سیستم اعلام حریق، نصب سیستم آبیاری قطره‌ای و فضا سبز انجام شده است.
پارک میلاد که از درختان تنومند و کهنسال در ابتدای خیابان شبانه پر خردار می‌باشد تا حدی زمینه گذران اوقات فراغت ساکنان این محدوده از شهر را فراهم می‌سازد. این پارک ۱۰۵ هزار مترمربع مساحت دارد و از امکانات بازی و سرگرمی برای کودکان بهره‌مند است.
سرویس شهری: جمعی از اهالی شهری (منطقه ۲۰) با اجتماع در حبیبه دامغانی‌ها واقع در شمال غربی شهری، هم استان تعیین یک سرپالاحل برای ساماندهی گورستان متروکه امامزاده عبدالله و دیگر گورستانهای مخروبه شهری شدند.
به گزارش خبرنگار همشهری

۳۰ سال پیش در همشهری

خبر خوب روزنامه همشهری ۳۰ سال پیش، گشایش ۳ پارک محلی در تهران بود؛ بوستان البرز، میلاد و سنبل که در شمال تهران و همزمان با پنجمین روز از هفته دفاع‌مقدس افتتاح شدند و کلی آرامش و هوای خوب تقدیم شهروندان کردند. در این گزارش کوتاه، از امکانات ورزشی و رفاهی این بوستان‌ها هم سخن‌ها به میان آمده و به امکانات تفریحی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان هم اشاره شده. اگر به صفحات روزنامه همشهری در آن سال‌ها و سال‌های بعد هم سری بزنیم، خبر گشایش چنین بوستان‌هایی بسیار است؛ بوستان بانوان، بوستان یاس فاطمی، بوستان ولایت و... اما نکته مهم دیگر که به آن تاکید می‌شود، حفظ و نگهداری این سرمایه‌های طبیعی است؛ وظیفه‌ای که بخشی از آن به‌عهده مدیران شهری و بخش مهم‌تر، بر عهده شهروندان است. اصلا رفتن به بوستان‌ها و آسیب‌نرساندن به طبیعت و امکانات هر بوستان، خودش ماجرایی است که ما شهروندان مسئول آن هستیم و باید به آن توجه کنیم.

نقشه گنج شکموها

از فلافل‌های عربی تا کباب‌های درباری؛ آدرس خوشمزه‌ترین خیابان‌های پایتخت اینجاست

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | تهران شاید در نگاه اول شهر برج‌ها، بزرگراه‌ها و شلوغی‌های بی‌پایان باشد، اما این شهر یک روح دیگر هم دارد؛ روحی که در صدای جلز و ولز روغن داغ، عطر کباب روی زغال و هیاهوی راسته‌های غذایی‌اش جریان دارد. دوره اینکه ما آدم‌های شکمو هم با خوردن یک ساندویچ سوسیس بندری احساس زنده بودن می‌کردیم و خوشحال می‌شدیم هم گذشته و حالا همه دنبال نسخه‌های تازه و تنوع در رستوران‌ها و فست‌فودها هستیم. به همین دلیل دیگر کمتر کسی برای خوردن یک غذای خوب بی‌هدف به خیابان می‌زند؛ چون هر محله و هر خیابان، شناسنامه طعم مخصوص به‌خود را پیدا کرده است. از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، راسته‌هایی شکل گرفته‌اند که روزها و شب‌ها به پاتوقی برای عاشقان غذا تبدیل می‌شوند؛ جایی که فرقی نمی‌کند به‌دنبال یک ساندویچ نوستالژیک دهه شصتی باشید یا یک فلافل تند و آتشین عربی. این خیابان‌ها فقط محلی برای غذا خوردن نیستند، بلکه مقصدی برای تجربه کردن، گشت‌وگذار و ساختن خاطره‌های خوشمزه هستند. با ما در سفر به دل خوشمزه‌ترین خیابان‌های تهران همراه شوید.

ستارخان
از بستنی سنتی تا کباب ترکی

ستارخان بهشتی برای دوستداران دسر و غذاهای متنوع است. این خیابان که به معجون‌ها و بستنی‌فروشی‌های قدیمی و معروفش شهرت دارد، حالا به مرکزی برای کباب ترکی‌های اصیل و رستوران‌های متعدد هم تبدیل شده است. اینجا می‌توانید یک شکم‌گردی کامل از غذا تا دسر را تجربه کنید. نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه مدافعان سلامت

باب همایون
نوستالژی در چند قدمی بازار

حال و هوای طهران قدیم با طعم‌های امروزی در این خیابان سنگفرش شده گره خورده است. اینجا بورس غذاهای خیابانی و اقتصادی است. دکه‌های کوچک با کتلت‌ها و ساندویچ‌های نوستالژیک شما را به گذشته می‌برند و بوی جگر و دل و قلوه، پای ثابت پیاده‌روی عصرگاهی در این خیابان است.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه امام خمینی (ره)

نازی آباد
پایتخت ساندویچ‌های غول‌پیکر

اگر به‌دنبال ساندویچ‌های حجیم و پرملات یا به قول معروف «بمبی» هستید، راسته فست‌فود نازی آباد مقصد شماست. این خیابان در جنوب تهران به پاتوقی برای عاشقان ساندویچ‌های ترکیبی و برگرهای سنگین تبدیل شده که کیفیت و سخاوت در پر کردن ساندویچ، رمز موفقیت‌شان است.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه شهید بخارایی

پیروزی
قلب تپنده فست‌فود در شرق

اهالی شرق تهران برای پیدا کردن بهترین فست‌فودها یک آدرس بیشتر نمی‌دهند: خیابان پیروزی. این راسته بلند، میزبان مجموعه‌ای بی‌پایان از پیتزافروشی‌ها، برگرهای تخصصی و سوخاری‌فروشی‌هاست که شب‌ها غوغایی به پا می‌کنند. تنوع و کیفیت، حرف اول را در این خیابان می‌زند. نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه‌های پیروزی و نبرد

دربند و درکه
طعم طبیعت در کوهپایه

این تفرجگاه‌های کوهستانی، مقصدی کلاسیک برای تهرانی‌هاست. علاوه بر لذت بردن از طبیعت، رستوران‌های سنتی با تخت‌های کنار رودخانه، کباب‌های خوش‌عطر، دیزی سنگی و البته انواع آلو و لواشک‌های هوس‌انگیز، بخش جدایی‌ناپذیر گشت‌وگذار در این مناطق ییلاقی است.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این مناطق: ایستگاه تجریش

اندرزگو
لوکس و مدرن

اندرزگو، ویترین رستوران‌گردی مدرن در شمال تهران است. اینجا پاتوق کافه‌های شیک، رستوران‌های بین‌المللی و فودکورت‌های امروزی است. فرهنگ «درایو ترو» و خوردن غذا در خودرو، یکی از ویژگی‌های اصلی این بلوار است که شب‌ها آن را به یکی از زنده‌ترین نقاط شهر تبدیل می‌کند. نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه قیطریه

سی تیر و میرزاکوچک خان
موزه غذاهای خیابانی

این دو خیابان سنگفرش شده در قلب تهران که روبه‌روی هم واقع شده‌اند، کافه رستوران‌های قدیمی را در خود جای داده و انواع خوراک‌های ایرانی و بین‌المللی را عرضه می‌کنند. اینجا می‌توانید حین قدم زدن در بافتی تاریخی، از طعم‌های متنوع و هیجان‌انگیز لذت ببرید.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه سعدی

دولت‌آباد
تکه‌ای از بغداد در تهران

عطر ادویه‌های عربی و صدای سرخ شدن فلافل، شما را به خیابان‌های بغداد می‌برد. دولت‌آباد، قطب اصلی غذاهای عربی در تهران است. بهترین فلافل‌ها، شاورماهای اصیل و شیرینی‌های منحصربه‌فرد عربی مانند کنافه را در این محله می‌توانید پیدا کنید.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه دولت‌آباد

میدان بهمن
پایتخت بی‌رقیب جگر

برای عشاق کباب و به‌خصوص جگر، دل و قلوه، هیچ‌جا میدان بهمن نمی‌شود. اطراف این میدان پر از جگرکی‌های قدیمی و معروفی است که دود و عطر کباب‌شان از فاصله دور شما را جذب می‌کند؛ تجربه‌ای کاملا سنتی و اصیل از یک خوراک محبوب ایرانی در فضای باز.
نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به این خیابان: ایستگاه‌های راه‌آهن یا جوادیه

ولیعصر
صبحانه در مرکز شهر

حدفاصل خیابان بهشتی تا مطهری در خیابان ولیعصر، صبح‌ها به راسته‌ای برای خوردن یک صبحانه خوشمزه تبدیل می‌شود. املت‌فروشی‌های ساده و کوچکی که با نیمرو و املت‌های خوشمزه و داغ در کنار نان سنگک تازه، پاتوقی گرم و صمیمی برای کوهنوردان و عابران پیاده ساخته‌اند. نزدیک‌ترین ایستگاه‌های مترو به این خیابان: شهید بهشتی و میرزای شیرازی

حال خوب

آفلاین شو!

ما در محاصره‌ایم؛ محاصره‌ای نورانی و بی‌وقفه از سوی نمایشگرهای کوچک و بزرگی که لحظه‌ای رهایمان نمی‌کنند. از لحظه بیدار شدن تا آخرین ثانیه‌های پیش از خواب، چشمانمان به تلفن‌های همراه، تبلت‌ها و کنسول‌های بازی دوخته شده است. این ابزارها که روزی قرار بود زندگی را آسان‌تر کنند، حالا به زنجیرهایی نامرئی تبدیل شده‌اند که ما را از دنیای واقعی، از تعاملات چهره‌به‌چهره و حتی از خواب شبانه محروم کرده‌اند.
در گوشه‌ای از جهان، شهری به نام «تویواکه» در ژاپن، زنگ خطر را به صدا درآورده است. مسئولان این شهر با درک عمیق از این بحران مدرن، دست به اقدامی پیشگامانه زده‌اند و از شهروندان‌شان خواسته‌اند تا استفاده از ابزارهای دیجیتال را به ۲ ساعت در روز محدود کنند. شاید در نگاه اول این قانون که جنبه‌ای الزام‌آور ندارد، ساده به‌نظر برسد، اما در واقع یک بیانیه فرهنگی مهم است: «زندگی واقعی، بیرون از این قاب‌های شیشه‌ای جریان دارد.»
این طرح هوشمندانه به خوبی مضراتی را هدف گرفته که همه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم؛ کاهش کیفیت خواب به‌دلیل نور آبی نمایشگرها و کم‌رنگ شدن گفت‌وگوهای خانوادگی. وقتی یک کودک دبستانی تا دیروقت سرگرم بازی‌های ویدئویی است یا بزرگسالان تا پاسی از شب در شبکه‌های اجتماعی پرسه می‌زنند، در واقع در حال قربانی کردن مهم‌ترین دارایی خود یعنی «زمان» و «سلامت» هستند. پیشنهاد تعیین ساعت مشخص برای خاموشی موبایل‌ها و ایجاد قوانینی شفاف در خانه، تلاشی برای بازگرداندن قدرت به خانواده‌هاست.
اقدام شهر تویواکه، فراتر از یک قانون محلی، یک ایده جهانی است. این طرح به ما یادآوری می‌کند که مدیریت زمان استفاده از تکنولوژی یک انتخاب شخصی نیست، بلکه یک ضرورت اجتماعی برای حفظ سلامت جسم و روان نسل‌های آینده است. شاید ما هم باید از این نمونه ژاپنی الگو بگیریم و با وضع قوانین خانوادگی و آگاهی‌بخشی، کنترل زندگی‌مان را از دست نمایشگرها پس بگیریم، پیش از آنکه دیر شود.

عکس خانه

زندگی به توان هسته‌ای

این روزها چهره بزرگراه‌ها و پل‌های پایتخت، میزبان روایتی متفاوت از یک مفهوم آشناست. بیلبوردهایی با شعار محوری «انرژی هسته‌ای، انرژی زندگی» تلاش دارند تا جنبه‌های کمتر دیده‌شده و کاملا صلح‌آمیز این فناوری را به شهروندان یادآوری کنند. این پویش فرهنگی که توسط شهرداری تهران اجرا شده، به جای تمرکز بر ابعاد سیاسی، به کاربردهای روزمره و حیاتی دانش هسته‌ای در زندگی مردم می‌پردازد. هر یک از این بنرها، پنجره‌ای به‌سوی یکی از دستاوردهای مهم این حوزه باز می‌کند؛ از نقش کلیدی آن در «پزشکی هسته‌ای» برای تشخیص و درمان بیماری‌های سختی مانند سرطان، تا استفاده از پرتوهای هسته‌ای برای «تصفیه پسماندهای شهری» و پاکسازی آب‌های آلوده. این طرح همچنین به اهمیت تولید «برق هسته‌ای» برای حفظ منابع فسیلی و نقش آن در صنایع غذایی برای کنترل کیفیت و تولید محصولات مقاوم اشاره دارد. این اقدام فرهنگی، گامی هوشمندانه برای تغییر نگرش عمومی و نشان دادن این واقعیت است که دانش هسته‌ای، درصورت استفاده صحیح، ابزاری قدرتمند برای ساختن آینده‌ای سالم‌تر و پایدارتر است؛ روایتی امیدبخش از دانشی که می‌تواند منبع زندگی و پیشرفت باشد.